

سخنی درباره بی‌ینال تهران

چندی پیش نمایشگاه بی‌ینال تهران بسی واهتمام اداره کل هنرهای زیبا در کاخ ایض برپا گردید و آثار نقاشان ، مجسمه‌سازان و طراحان ایران بمعرض تماشای عموم گذارده شد . تشکیل چنین نمایشگاه و عرضداشت آثار هنرمندان ایران گام بزرگی است که در راه پیشرفت و احیاء هنر این سرزمین برداشته شده است . در این نمایشگاه ۴۵ نفر نقاش ، ۶ نفر مجسمه‌ساز و ۸ نفر طراح شرکت کردند .

آنچه را که میتوان بعنوان یگراه تازه و موفق در آثار امسال نقاشان ایران نام برد نقاشی هنرمندانی است که در زمینه هنر ملی ایران و با استفاده از مایه‌های غنی واصل گذشته بوجود آمده است .

در این روش تنها اثری که از جلیل ضیاء پور بنام « زینب خاتون » وجود داشت پیش از تمام کارها جلب توجه میکرد . فرم و رنگ در این تابلو پایایی هم تا سرحد توانائی خود سخن میگفتند .

هنرمندان دیگری نیز در این مکتب ، که میتوان نام « مدرنیسم ملی » بر آن نهاد ، کار کرده بودند و این خود دلیلی بر مطالعه و تحقیق آنان در منابع هنری گذشته می‌تواند باشد . از جمله چنگیز شهوق که شخصیت خاص او در نقاشی و پیکره‌هایش بخوبی آشکار است ، و « چادر سیاه » ، مجسمه کاشی ، بهترین اثر او بود .

منوچهر شببانی ، که تابلوهایش در بی‌ینال بدو تیپ تقسیم میشد ، در اثر خود بنام « زنان بندری » و « نذر » باین راه روی دارد .

و نیز آقایان حسن قائمی ، شهرزاد محترم ، ناصر اویسی و پرویز کاردان در این موفقیت سهمی دارند .

بطور کلی جز در آثار ضیاء پور و شهوق که بحد کافی رنگین بود ، طرح در کار دیگر نقاشان پیش از رنگ آنها اهمیت داشت .

اما یکدسته دیگر کار نقاشانی بود که تحت تأثیر مکاتب هنری اروپا هستند و این تأثیر در کار آنها بوضوح مشهود است ؛ از جمله نقاشی های مارکو گریکوریان ، آشوت میناسیان « مجسمه‌ساز » ، ادبک آیوازیان ، منیره

فرمانفرمائیان ، آرتون میناسیان ، رستم و سکاکیان و دیگران .
در بین این عده پرویز تناولی « مجسمه ساز » و سیراک ملکونیان
بنقشهای ایرانی توجه دارند ، اما باید گفت محتاج مطالعه و تعمق فراوانی
در این زمینه می باشند . این دو به خصوص در تکنیک از هنرمندان اروپا متأثرند .
جهت تعیین ارزش کار هنرمندان و انتخاب آنها برای شرکت در نمایشگاه
بی‌ینال و نیز هیئتی مرکب از سه نفر از ایتالیا دعوت شد ، و برندگان جوایز
و کارهای منتخب برای و نیز بوسیله ایشان تعیین گردید .

باید گفت متأسفانه کارهای انتخاب شده از اصالت هنری و ابداعی کزروح
خلاق هنرمند را از تقلید برکنار میدارد کاملاً بیگانه بود . شاید به همین جهت
مجبور باشیم در صلاحیت ژوری مزبور اندکی تأمل کنیم .

آثاری که در این قضاوت بدوی مورد توجه قرار گرفت اکثر کار کسانی
است که یاد ایتالیا تحصیل کرده اند و تحت تأثیر مکاتب هنری آنجا کار میکنند ،
و یا در ایران بتقلید این نحو کار مشغولند . شاید این قبیل کارها از شاگردان
مبتدی که بتحصیل و مطالعه در آثار مختلف اشتغال دارند چندان مورد خرده
گیری نباشد . اما عرضه آنها در یک نمایشگاه بین المللی و ترجیح آنها به آثاری
که نمودار گویای شخصیت ایرانی است عجیب و نشانه عدم تعمق است .
ژوری ایتالیائی هرگز ایرانی و هنر او را آنطور که باید نمی شناسد و از ظرفی در
تعیین ارزش برای کارها فهمیده یا نفهمیده بآنچه که از سرزمین خود اوسخن
میگوید و طبعاً بانظر اوساز کار تراست توجه دارد و هنر مملکت خود را بعنوان
معیار و محک این قضاوت در نظر میگیرد .

بعضی از کارهای منتخب از « تکنیک » کار اروپائیان تقلید شده و در بعضی
يك « فیکور » یا يك نقش « آبستره » با جزئی تغییر کپی شده است . مثل :
« آبستره » از منیره فرمانفرمائیان که از آبرنگ « جا کسن پالوک »
تقلید شده است (کتاب جا کسن پالوک) ؛ « آدم و حوا » از مارکو گریگوریان که
در آن برای يك نقش « فیکور اتیو » از تکنیک کار « جا کسن پالوک » در يك
« آبستره » تقلید شده است (کتاب جا کسن پالوک) .

« حکاکی » از سیراک ملکونیان که از تکنیک کار « والتر فیلدمن » در يك
« حکاکی آبستره » تقلید شده است (کتاب حکاکی و آبرنگ کاری آمریکا) .
« لیلا دختر ایرانی » از مارکو گریگوریان که در آن از يك فیکور کار
« لام » بنام « جنگل » که با گواش ساخته شده با جزئی اختلاف کپی شده .
(کتاب نقاشی و مجسمه موزه مدرن آرت آمریکا) .

« آبستره » از مارکو گریگوریان که از تکنیک کار نقاشان زیادی منجمله
« ویکتور چریکن گست » تقلید شده . (کتاب حکاکی و آبرنگ کاری آمریکا) .

شاید عده‌ای در این موارد بخواهند نام اینکار را « الهام گرفتن » بگذارند . اما این نوع ملهم شدن وسیله خلق يك اثر هنری نیست .
 در این نقاشیها هر گز نشانی از هوایی که نقاشان مادر آن نفس میکشند وجود ندارد و گوشه‌ای از آن نیست که رنگی از آسمان این سرزمین دیده شود . شاید نتوان ایرانرا مطلقا سرزمین آفتاب نامید، اما همانگونه که همه می‌بینند و نقاشان بنام گذشته نیز مثل رضاعباسی و کمال‌الدین بهزاد دیده‌اند، « خورشید در آسمان این سرزمین میدرخشد » ، وزیر این آفتاب رنگها هر گز آنگونه که در نقاشیهای منتخب بی‌ینال دیده‌ایم تیره و لجن گرفته نیست .
 اگر توجه بخصوصیات ملی را بعنوان قید و وظیفه‌ای برای هنرمند مطرح سازیم، امکان دارد از این راه لطمه‌ای به استقلال فکری و آزادی خواست و دید او وارد شود، اما این هر گز نمیتواند بهانه‌ای برای کسانی باشد که بدون توجه بشخصیت ملی خود شکلک‌هایی از دیگران درمی‌آورند .

هنرمندی که باصالت خود پایبند است باحفظ خصوصیات ذاتی و شرائط محیط خاص خود نمیتواند جز با آنچه از کودک دیده و با آن انس داشته بردارد ، حتی اگر این پرداختن بصورت يك عكس العمل منفی در برابر تمام آداب و سنن ملی او باشد .

چه بهتر بود باین موضوع توجه میشد که عرضه هنر يك ملت در يك نمایشگاه بین‌المللی برای معرفی شخصیت اوست ، و انتخاب این نوع کارهای تقلیدی توهینی به هنرمملکت ماحسوب میشود؛ وای بسا که در آینده نقاشان تازه کاری که میتوان انتظار پیشرفت فراوانی از آنها داشت در چنین راه منحطی پای گذارند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی کورش سلحشور

کار از لب خشک و دیده تر بگذشت

تیر ستم ز جان و دل بر بگذشت

آیم نمود بس تنگ آتش عشق

چون پای بر آن نهادم از سر بگذشت

مهستی